



Documentary Research and the Semantic Range of the Narration “Innama al-A’mal bi-al-Niyyat” (the base of the act is its intention) from the perspective of Two Major Islamic Sects*

Seyyed Mehdi Ahmadinik^۱

Mohammad Imami^۲

Abstract

The narration of “Innama al-A’mal bi-al-Niyyat” is a narration that Shia and Sunni jurists have used in various chapters of jurisprudence and have cited it in several issues. This narration is challenged and questioned in two dimensions; One is from chain of document and the other is from the point of view of content. Although many works have been written about these two dimensions, but less has been done to examine the document and explain its semantic scope in a comparative way and to determine the stronger meaning by citing evidences. This article aims to use a descriptive-analytical method, using a library method, while discussing and examining its documents from the perspective of Two Major Islamic Sects, to investigate its possibilities and semantic scope, and to determine the strongest possibility with the assistance of numerous clues and evidences. The findings of this research indicate that the narration is authentic and acceptable in terms of issuance as a document based on the school of issuance trustworthiness by combining evidences such as narrative reputation, practical reputation, agreement with authentic narrations, spiritual or abstract massive report. In terms of the content, which has many possibilities, the possibility that what is meant by it is a comprehensive concept and what the scholars have said as the meaning and meaning of the narration is an example of it, seems stronger.

Keywords: Meaning of Hadith, Validation of Hadith, Intention, “Innama al-A’mal bi-al-Niyyat” (the base of the act is its intention).

*. **Date of receiving:** ۲۸/۰۵/۲۰۲۱, **Date of approval:** ۰۷/۰۶/۲۰۲۲.

۱. Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran, “Corresponding Author”; (sm.ahmadinik@gmail.com).

۲. Associate Professor of the Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran; (dr. Imami@razavi.ac.ir).



بازجست سندی و گستره معنایی روایت «انما الاعمال بالنیات» از نگاه فریقین*

سیدمهدی احمدی نیک^۱ و محمد امامی^۲

چکیده

روایت «انما الاعمال بالنیات» روایتی است که فقهای شیعه و اهل سنت در ابواب گوناگون فقهی مورد استفاده قرار داده‌اند و در فروع متعدد به آن استناد نموده‌اند. این روایت از دو جهت مورد چالش و پرسش است؛ یکی از ناحیه سند و دیگر از حیث دلالت. هرچند پیرامون این دو، آثار متعددی نگاشته شده اما به بررسی سندی و تبیین گستره معنایی آن به صورت تطبیقی و تعیین معنای قوی‌تر با استناد قرائن، کمتر پرداخته شده است. این مقاله بر آن است که به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای ضمن بحث و بررسی سندی آن در نزد فریقین، بازجستی در احتمالات و گستره معنایی آن داشته و به کمک قرائن و شواهد متعدد به تعیین قویترین احتمال پردازد. یافته‌های این جستار حاکی از این است که روایت از حیث سند بر مبنای مکتب و ثوق صدور با تجمیع قرائنی همانند شهرت روایی، شهرت عملی، موافقت با روایات معتبر، تواتر معنوی یا اجمالی، معتبر و از حیث صدور قابل قبول است. از حیث مفهومی نیز که دارای احتمالات متعددی است این احتمال که مراد از آن مفهومی جامع است و آنچه را دانشیان به‌عنوان معنی و مفهوم روایت گفته‌اند هرکدام مصداقی از آن باشد، قوی‌تر به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: دلالت حدیث، اعتبارسنجی حدیث، نیت، انما الاعمال بالنیات.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران، «نویسنده مسئول»؛ (Sm.ahmadinik@gmail.com).

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ (Dr.Imami@razavi.ac.ir).



مقدمه

در بسیاری از منابع از قول پیامبر اسلام^۱ وارد شده است که «انما الاعمال بالنیات، و لكل امرئ ما نوى» بر این اساس هر عملی در گرو نیت و نیازمند به نیت دانسته شده است. این روایت علاوه بر آن که در بسیاری از منابع روایی فریقین آمده در منابع فقهی اعم از منابع شیعه و سنی نیز فقهاء در ابواب گوناگون برای اثبات مطلب خود به آن استناد و یا به عنوان موید آن را با اختلاف‌اندکی بیان نموده‌اند (بخاری، ۱۴۲۲: ۶/۱؛ همو، ۱۷۷/۷ و ۱۸۷/۸؛ قشیری نیشابوری، بی تا، ۱۵۱۵/۳ و ۱۷۰۱/۳؛ نسائی، ۱۴۰۶: ۵۸/۱؛ همو، ۱۵۸/۶ و ۱۳/۷؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵: ۳۰۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۸۳/۱؛ همو، ۱۸۶/۴؛ همو، (الخلافا)، ۱۴۰۷: ۴۹/۲؛ ۱۴۱۴: ۶۱۸؛ حلبی (ابن زهره)، ۱۴۱۷: ۳۶۴/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ۴۶۰/۲؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۲۷۰/۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۳: ۷۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۳۹/۱؛ همو، ۱۸۸/۲؛ همو، ۱۰۰/۳؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۴۴۴/۲؛ حلی (ابن فهد)، ۱۴۰۷: ۱۵/۲؛ ابن حجر، ۱۳۷۹: ۱۲/۱؛ همو، ۳۲۷/۱۲ و ۴۷۳/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۳/۱؛ نوری، ۱۴۰۸: ۹۰/۱).

در برخی از روایات با تعبیری دیگر اما نزدیک به همان مضمون این گونه آمده است که «نية المؤمن خير من عمله ونية الكافر شر من عمله، و كل عامل يعمل على نية» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۱۸/۳) چنین به نظر می‌رسد که روایت «انما الاعمال بالنیات، و لكل امرئ ما نوى» با توجه به تفاوت‌اندک در نقل‌ها و کثرت نقل، متواتر معنوی یا اجمالی است اگر چه برخی از دانشمندان آن را متواتر لفظی دانسته‌اند (ابن کثیر، بی تا، ۵۷/۱). به هر حال روایت از چنان شهرتی برخوردار است که حتی با فرض عدم تواتر اطمینان به صدور آن پیدا می‌شود و بر مبنای مکتب وثوق صدوری با توجه به قرائن و شواهدی که در مقاله به آن اشاره خواهد شد نیازی به بررسی سندی ندارد؛ زیرا همین شهرت آن را اطمینان‌آور و غیر قابل تردید نموده و اعتبار حدیث را بر می‌فرازد اما از آنجا که فقهاء و اندیشمندان مسلمان در موارد متعددی در فقه به آن استناد نموده و احکامی را بر آن بار نموده‌اند، نگارنده‌گان مقاله برآنند تا برای اطمینان‌بخشی بیشتر به بررسی سندی آن با شیوه مکتب وثوق صدوری و تجمیع قرائن که تا کنون با این شیوه مورد بحث نگرفته پرداخته و سپس با تبیین دلالتی، اعتبار و سپس برترین احتمال را در آن بفرمایند.

لازم به یادآوری است بر حسب بررسی نگارندگان درباره حدیث یادشده در کتاب‌هایی در ضمن مباحث حدیثی از جمله: سیوطی در تدریب الراوی (سیوطی، بی تا، ۶۲۲/۲؛ ۶۲۹/۲) که از حیث مشهور و یا متواتر بودن بحث نموده و ابن صلاح در معرفة انواع الحدیث (ابن صلاح، ۱۴۲۳: ۳۷۰/۱) که حدیث مشهور را به دو قسم تقسیم نموده و این حدیث را از قسم حدیث مشهور صحیح دانسته و

عراقی در التقييد و الايضاح (عراقی، ۱۴۰۵: ۱۰۰/۱؛ ۲۷۳/۱ و ۲۶۹/۱) که به بحث سندی و متنی پرداخته و ابن حجر در نزهة النظر (ابن حجر، ۱۴۳۰: ۴۸/۱) که حدیث را مشهور و معتبر دانسته از این راه که خلیفه اول آن را در جمع صحابه از قول رسول خدا نقل نموده و کسی هم آن را انکار نموده و شهید ثانی در الرعایه فی علم الدراية (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۶۸-۷۰ و ۱۰۵-۱۰۷) که درباره متواتر و مشهور بودن حدیث به بحث پرداخته است؛ علاوه بر اینها تک نگاره‌هایی اعم از کتاب و نیز مقالاتی در این باره مانند: «منتهی الامال فی شرح حدیث انما الاعمال» از سیوطی؛ «انما الاعمال بالنیات» و «السنن و الحكم النبویة: انما الاعمال بالنیات» از الساکت؛ «من وحی النبوة: انما الاعمال بالنیات» از البسیونی؛ «دراسات فقهیه-حدیثیه، حدیث (انما الاعمال بالنیات)» از البشیری؛ «تحلیل بر تواتر حدیث انما الاعمال بالنیات» از عباسی مقدم، مصطفی و همکاران؛ «بررسی حدیث انما الاعمال بالنیات» از گلشادی مباحثی درباره سند حدیث و دلالت آن صورت گرفته اما نوآوری اثر حاضر از حیث سندی، آن است که با شیوه مکتب و ثوق صدوری و تجمیع قرائن، به بررسی پرداخته که در هیچ کدام از تحقیقات یادشده، حدیث فوق با چنین نگاهی مورد بحث قرار نگرفته و همچنین نسبت به تبیین دلالتی و گستره معنایی آن با امعان نظر در موارد به کار گرفته و بیان احتمالات و ارائه مفهومی جامع، آن هم با نگاه تطبیقی، غیر مسبوق به سابقه می باشد.

الف. تبیین مسئله و مفهوم‌شناسی

برای فهم بهتر در بخش پیش رو ابتدا موضوع تبیین می گردد و سپس واژگان کلیدی که در مقاله به کار گرفته شده توضیح داده خواهد شد.

۱. تبیین مسئله

روایت مورد بحث در بین اندیشمندان مسلمان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از قول ابوداود سجستانی از محدثان نام آور اهل سنت درباره این روایت چنین نقل شده است: «کتبت عن رسول الله | خمسمائة ألف حدیث انتخبت ما ضمنته و جمعت فی کتابی هذا أربعة آلاف حدیث و ثمانمئة حدیث فی الصحيح و ما يشبهه و يقاربه و يكفی الانسان لدینه من ذلك أربعة أحاديث احدها: انما الاعمال بالنیات» (ابن رجب، ۱۴۲۴: ۵۸/۱). در پاورقی بحار نیز این نقل آمده است: پانصد هزار حدیث از پیامبر اسلام | گردآوری نمودم و و از بین آنها چهار هزار و هشتصد حدیث صحیح و نزدیک به صحیح و معتبر را انتخاب نمودم و در کتابم (السنن) آنها را آوردم و بر این باورم که از بین آنها چهار حدیث برای دینداری انسان کفایت می کند که یکی از آنها حدیث «انما الاعمال بالنیات» می باشد (مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۰۹/۱۰۴).



برخی دیگر از محدثان درباره این روایت گفته‌اند: ثلث اسلام است و در هفتاد باب از فقه کاربرد دارد و سزاوار است که هر مؤلفی آن را در ابتدای کتاب خود بنگارد (رک: نووی، ۱۳۹۲: ۵۴/۱۳). از احمد بن حنبل نقل شده که درباره این حدیث گفته است اسلام بر سه پایه استوار است یکی از آنها حدیث «انما الاعمال بالنیات» می‌باشد (ابن ابی یعلی، بی تا، ۴۷/۱) و همچنین از ابو عبید نقل شده که پیامبر خدا تمام امور دنیا را در یک کلمه «انما الاعمال بالنیات» جمع نموده است (ابن رجب، ۱۴۲۴: ۵۸/۱). برخی دیگر گفته‌اند: برای دین انسان چهار حدیث او را کفایت می‌کند و نیز گفته شده فقه بر پنج حدیث استوار است و یکی از آنها حدیث «انما الاعمال بالنیات» می‌باشد (ابن رجب، ۱۴۲۴: ۵۹/۱).

شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد پس از اینکه فرموده مدارک احکام چهارتا می‌باشند درباره اهمیت حدیث گفته‌اند: این حدیث، مدرک قاعده بسیار مهم «تبیعة العمل للنية» است (عاملی، شهید اول، بی تا، ۷۴/۱) اهمیت این حدیث شریف از اصول و قواعد بنیادی اسلام و یکی از پایه‌ها و بلکه نخستین استوانه‌های تعالیم مقدس اسلام است بر این اساس برخی از اندیشمندان معاصر درباره نیت گفته‌اند: نیت در فرهنگ اسلام، جان عمل است (مطهری، ۱۳۶۱: ۳۲۶) یکی از مسایل بسیار مهم در عبادات، مسئله «نیت» است. «نیت» روح هر عبادتی محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۹۳) برخی از معاصران این حدیث را مدار بسیاری از احکام در بیشتر ابواب فقه دانسته‌اند (البشیری، ۱۴۳۰: ۲۲۷/۵۵).

سوال اساسی این است که روایتی با این همه اهمیت و دارای استناد فراوان در آموزه‌های دینی، آیا سند آن در نزد فریقین قابل پذیرش است؟ از حیث مفهوم، معنا و مفهوم دقیق آن چیست؟ از این رو این روایت هم از حیث سند و هم دلالت در خور واکاوی به‌ویژه از منظر فریقین بوده تا در سنجه بررسی علمی ضمن بفرزای اشتراکات فریقین، مفهوم دقیق آن نیز تبیین و بهترین و برترین احتمال از بین احتمالات داده شده که برخی در معنای روایت مطرح کرده‌اند روشن و برگزیده و در استنادات فقهی و غیر آن بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

۲. مفهوم‌شناسی

برخی از واژه‌نگاران درباره معنای نیت چنین آورده‌اند: النية: «ما ينوي الإنسان بقلبه من خير أو شر»؛ نیت به معنای قصد قلبی است خواه قصد خیر و خواه قصد شر (رک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۹۳/۸)؛ همچنین بنگرید: ابن عباد، ۱۴۱۴: ۴۲۰/۱۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۶۶/۵). برخی دیگر گفته‌اند: هر آنچه در طلب آن تلاش نمایی (ابن اثیر، بی تا، ۱۳۱/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۴۷/۱۵). رویکرد قلب به جانب عمل (وهری، ۱۴۰۷: ۲۵۱۶/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۰۷؛ فیومی، بی تا، ۶۳۲/۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۴۰۰/۴؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۴۰۴/۱ و ۴۲۱).



علامه حلی درباره معنای نیت چنین آورده است: «والنية عبارة عن القصد، يقال: نواك الله بخير، أي: قصدك ونويت السفر، أي: قصدته و عزمته عليه» (حلی، محقق، ۱۴۰۸: ۲۰/۱؛ حلی، ۱۴۱۲: ۱۴/۲؛ همو، ۱۴۱۲: ۵۵/۱)؛ خداوند نسبت به تو قصد خیر نموده. فخرالمحققین در رساله فخریه گفته است: متکلمان گفته‌اند نیت عبارت است از اراده فاعل مقارن با عمل و فرق بین اراده و عزم این است که عزم مسبوق به تردد است اما نیت این‌گونه نیست (حلی، فخرالمحققین، ۱۴۱۱: ۲۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۷۴/۱؛ انصاری، بی تا، ۱۴/۱) برخی گفته‌اند: نیت عبارت است از اراده بر انجام فعل شرعی به همان گونه که از سوی شارع مورد طلب قرار گرفته است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۵۲/۸).

صاحب جواهر در بحثی نسبتاً مفصل در باب وضوء به تبیین واژه نیت پرداخته و در پایان گفته است: معنایی شرعی، زیبا و مناسب برای نیت سراغ نداریم اگر چه در عرف متدینان نیت بر اراده با قصد قربت اطلاق می‌شود و به هر صورت نیت از افعال قلبی است و هیچ ربطی به لفظ ندارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۸۸/۲).

بر این اساس می‌توان گفت: نیت عبارت است از امری آگاهانه که انسان در هنگام انجام دادن فعل اختیاری با میل خود آن را قصد می‌نماید و در خصوص افعال شرعی اراده بر انجام به گونه‌ای که از سوی شارع مورد طلب قرار گرفته است.

ب. بررسی سندی

این روایت اگر چه در برخی از منابع به صورت مسند آمده (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۸) اما در بیشتر منابع به صورت مرسل ذکر شده است (سیدمرتضی، ۱۴۱۵: ۳۰۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۸۳/۱؛ همان، ۱۸۶/۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴۹/۲؛ و ۴۵۸/۴؛ ابن براج، ۱۴۱۱: ۱۸۲/۱؛ حلی، ۱۴۱۷: ۳۶۴/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ۴۶۰/۲؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۲۷۰/۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۳: ۷۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۳۹/۱، ۱۸۸/۲، ۱۰۰/۳؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۴۴۴/۲).

۱. بررسی سندی در منابع شیعی

این روایت در منابع شیعی به دو گونه مسند و مرسل نقل شده است که در ذیل این دو نوع بررسی می‌گردند.

۱-۱. نقل مسند

بر اساس نقل مرحوم شیخ طوسی این روایت به صورت مسند این‌گونه نقل شده است: «أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ الْعَبَّاسِ أَبُو الْقَاسِمِ الْمُوسَوِيُّ بِدَيْبَلٍ، قَالَ:



أَخْبَرَنِي أَبِي إِسْحَاقُ بْنُ الْعَبَّاسِ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، هَذَا عَنْ أَخِيهِ، وَهَذَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله | أَغْرَى عَلِيًّا عليه السلام فِي سَرِيَّةٍ وَأَمَرَ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَدَبُّوا مَعَهُ فِي سَرِيَّتِهِ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ لِأَخِي لَهُ: اغْرُبْنَا فِي سَرِيَّةِ عَلِيٍّ، لَعَلَّنَا نُصِيبُ خَادِمًا أَوْ دَابَّةً أَوْ شَيْئًا نَتَّبَلِّغُ بِهِ، فَبَلَغَ النَّبِيَّ | قَوْلُهُ، فَقَالَ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالتِّيَاتِ، وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ غَرَا ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ، فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ غَرَا يَرِيدُ عَرَضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عِقَالًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَى» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۸).

بر اساس تصریح برخی از رجالیان وثاقت ابوالفضل که کنیه محمد بن عبدالله بن المطلب شیبانی بوده مورد تردید است. به نقل نجاشی «جل أصحاب» (نجاشی، بی تا، ۳۹۶) و به نقل علامه حلی جماعتی از اصحاب او را تضعیف نموده اند (حلی، ۱۴۱۷: ۱/۳۹۷). نجاشی چنین آورده است: «أصله كوفي، وكان في أول أمره ثبتاً ثم خلط، ورأيت جل أصحابنا يغمزونه ويضعفونه» در ادامه نوشته است: «رأيت هذا الشيخ وسمعت منه كثيراً، ثم توقفت عن الرواية عنه» (نجاشی، بی تا، ۳۹۶). وی کوفی و در ابتدا اهل دقت در نقل روایت بود؛ گرچه در آخر عمرش کم حافظه شده و بیشتر اصحاب وی را تضعیف نموده اند. من ایشان را دیده ام و از او روایات بسیاری شنیده ام و در نقل روایت از او امتناع می ورزم.

علامه حلی نیز درباره وی چنین آورده است: «محمد بن عبدالله بن المطلب الشیبانی، یکنی ابوالفضل، کثیر الروایة حسن الحفظ، ضعفه جماعة من أصحابنا. وقال ابن الغضائري: انه وضاع، کثیر المناکیر، رأیت کتبه وفيها الاسانید من دون المتون والمتون من دون الاسانید. وأرى ترك ما تفرد به» (حلی، ۱۴۱۷: ۱/۳۹۷). ابوالفضل روایات زیادی نقل نموده و از حافظه خوبی هم برخوردار بوده و گروهی از اصحاب ما وی را تضعیف نموده و ابن غضائری هم درباره وی گفته: او اهل جعل و وضع بود و نظر من این است که روایاتی را که او به تنهایی نقل نموده نقل نمایم با توجه به این عبارات که دلالت بر ضعف ابوالفضل دارند وجود وی در سند موجب ضعف سندی در روایت می باشد.

علاوه بر او دو نفر دیگر از ناقلان این روایت به نام احمد بن إسحاق و پدر او إسحاق بن عباس در کتب رجالی ذکر نشده اند و مهمل بودن این دو شخص نیز باعث عدم اعتبار سند طبق مبنای مشهور رجالیون است. پس، روایت با این نقل اگرچه مسند می باشد اما سند آن دارای ضعف بوده و بر اساس مکتب وثوق سندی قابل استناد نمی باشد.

۲-۱. نقل مرسل

بر اساس نقل‌های دیگر این روایت در منابع زیادی به‌طور مرسل نقل شده است. در تهذیب، وسائل، مستدرک و غیر آنها این‌گونه نقل شده است: «الخبر المروى عن النبى | إنما الأعمال بالنیات، و لكل امرئ ما نوى» (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۳۰۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۷۳۳/۱؛ همو، ۱۴۰۷: ۴۸۳/۴؛ طوسی، (الخلافة)، ۱۴۰۷: ۴۹/۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۳/۱؛ نوری، ۱۴۰۸: ۹۰/۱). محقق حلی پس از استناد به این روایت برای اعتبار نیت در تیمم درباره سند حدیث چنین آورده است: «روی جماعة من اصحابنا مرسلًا» (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۱۳۸/۱). روشن است که تعبیر به: «روی جماعة من اصحابنا»، بیانگر این است که گروهی از امامیه آن را نقل کرده‌اند و نه یک نفر، در نتیجه مشعر به اعتبار روایت است.

شیخ صدوق به‌گونه‌ای دیگر به‌طور قطع روایت را نسبت به پیامبر اسلام | داده و چنین آورده است: «قال رسول الله | إنما الأعمال بالنیات» (صدوق، ۱۴۱۸: ۶۲) و برخی دیگر با تعبیری دیگر حدیث را به پیامبر اسلام | نسبت داده‌اند و چنین نوشته‌اند: «نحو قول النبى | إنما الأعمال بالنیات» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳۶۵/۴؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۳۷۱/۸).

شهید ثانی درباره این خبر آورده است: «مشهور فی طرفه الاخر، لتعدد رواته بعد من ذكرنا، و اشتهاه، حتى قيل أنه رواه عن يحيى بن سعيد: أكثر من مئتي نفس، وحكى عن إسماعيل الهروري: أنه كتبه من سبعمائة طريق، عن يحيى بن سعيد. وما ذكرناه: من تفرد الأربعة بهذا الحديث. هو المشهور بين المحدثين، ولكن ادعى بعض المتأخرين: أنه روى أيضا عن علي (عليه السلام) و أبي سعيد الخدري و أنس بلفظه، و من حديث جمع من الصحابة: بمعناه.. و على هذا، فيخرج عن حد الغرابة» (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۱۰۸) و در جایی دیگر نوشته است: «فحديث إنما الأعمال بالنیات مشهور غير مستفيض» (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۷۰).

روشن است که بر اساس برخی از مبانی رجالی از قبیل مبنای وثوق سندی نقل روایت مرسل، مردود و غیر قابل استناد می‌باشد و سند روایت مورد بحث این‌گونه است. اما بر اساس مبنای وثوق صدور که با تکیه بر قرائن، به صدور روایت از معصوم (علیه السلام) اطمینان پیدا می‌شود ممکن است سند برخی از روایات، ضعیف و مردود و غیر قابل اعتنا باشد، اما وقتی آن را در کنار دیگر روایات معتبر و آیات قرآن کریم و سایر قرائن اطمینان‌آور قرار دهیم، اطمینان و گاه یقین به صدورش حاصل می‌شود (رک: جواهری، ۱۴۳۶: ۱۳۰/۷؛ جلالی، ۱۴۱۴: ۲۱۸/۲) و باید گفت بر اساس قرائنی که ذکر خواهد شد می‌توان گفت این روایت معتبر می‌باشد.



قرائن وثوق به صدور روایت مذکور عبارت‌اند از:

۱. شهرت روایی: چنان‌که پژوهشگران کتاب کافی در پاورقی به آن تصریح نموده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹: ۹۸/۱؛ و نیز: (ابن‌صلاح، ۱۴۲۰: ۳۷۰؛ شهید ثانی، ۱۴۰۷: ۶۷).
۲. شهرت عملی: به این معنا که مشهور فقها در مقام فتوا و انتخاب رای و نظر خویش در مسائل فقهی، به روایت تکیه نموده و بر اساس آن فتوی داده‌اند (مظفر، بی تا، ۱۵۲/۲). بر این اساس در موارد متعددی بسیاری از فقهاء در مقام فتوی به روایت و مضمون آن پایبند بوده‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۸؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۷: ۱۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۸/۱؛ همو، ۲۳۹۶؛ ابن‌براج، ۱۴۱۱: ۳۱).
۳. موافقت با روایات معتبر (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۴/۲؛ البشیری، ۱۴۳۰: ۲۴۴).
۴. تواتر معنوی (سیوطی، بی تا، ۲۳۱؛ عراقی، ۱۳۸۹: ۲۶۷).
۵. استناد به آن در فروعات متعدد فقه از سوی فقها (آدرس برخی در قبل اشاره شد و در ادامه نیز خواهد آمد).

۶. استناد روایت به‌طور جزمی به پیامبر اسلام | توسط شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۸).

برخی از فقهای معاصر بین مرسلات شیخ مفید و مرسلات شیخ صدوق فرق گذاشته و درباره مرسلات شیخ صدوق گفته‌اند: مرسلاتی را که شیخ صدوق آنها را به‌طور جزمی به پیامبر اسلام | و یا دیگر معصومان علیهم‌السلام نسبت داده باشد دارای اعتبار است اما مرسلات شیخ مفید این‌گونه نیست و در این باره نوشته‌اند: «الظاهر أنّ إرسال المفید جزماً غیر إرسال الصدوق كذلك - حیث لا نستبعد الاعتماد علی مرسلاته - لأنّ المفید کان من أهل النظر والاجتهاد، ولعلّ انتسابه جزماً مبنی علی اجتهاده، بخلاف طريقة الصدوق و آیه» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۴۴۳/۱) ظاهر آن است که مرسلات جزمی شیخ صدوق غیر از مرسلات جزمی شیخ مفید است؛ زیرا اعتماد بر مرسلات جزمی شیخ صدوق را بعید نمی‌دانیم، زیرا شیخ مفید اهل نظر و اجتهاد بوده و این احتمال درباره وی وجود دارد که روایتی را به معصوم علیه‌السلام منتسب کرده باشد و این انتساب بر مبنای نظر اجتهادی او بوده که برای ما حجت نیست، بر خلاف روش شیخ صدوق و پدرش که این‌گونه نمی‌باشد.

از نظر نگارنده احتمال دارد مبنای دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد مرسلات جزمی شیخ صدوق که آنها را مورد اعتماد و مرسلات شیخ مفید را غیر قابل اعتماد بر شمرده، این باشد که: از آنجا که شیخ صدوق به عصر ائمه علیهم‌السلام نزدیک‌تر بوده، فقه او فقه مأثور می‌باشد و اگر روایتی را به‌طور قطعی منتسب به معصوم علیه‌السلام می‌نماید بر اساس قرائن اطمینان‌آور است نه اجتهاد مصطلح، همان‌طور که وقتی اصحاب ائمه می‌خواستند نظر بدهند، با توجه به قرائن و مسموعات خود و نیز دسترسی به مذاق و منش

معصوم علیه السلام، نظر معصوم علیه السلام را بیان می‌کردند؛ ولی در زمان شیخ مفید، بحث اجتهاد به معنای مصطلح وجود داشته، لذا در مرسلات ایشان این احتمال وجود دارد که مبتنی بر اجتهاد شخصی او بوده باشد، اما در مرسلات شیخ صدوق چنین احتمالی وجود ندارد.

این مطلب اگر چه در ارتباط با مرسلات شیخ صدوق صحیح است اما در مورد مرسلات شیخ مفید با توجه به قرائنی قابل تردید و نیازمند تأمل بیشتری است.

اولاً: تعبیر به الظاهر در عبارت خود امام خمینی (ره) صرفاً بیانگر یک احتمال است و نمی‌خواهند نفی حجیت از مرسلات جزمی شیخ مفید به طور قطعی داشته باشند.

ثانیاً: با توجه به شخصیت برجسته علمی و عملی شیخ مفید می‌توان گفت که او نیز در انتساب قطعی یک روایت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام به قرائن اطمینان‌آور توجه داشته است و در صورت عدم اطمینان به صدور روایت، آن را به طور قطعی به معصوم نسبت نمی‌دهد بنابراین، چنان‌که استناد قطعی روایتی به معصوم علیه السلام از سوی شیخ صدوق دال بر اطمینان وی به صدور روایت است، استناد قطعی روایتی به معصوم علیه السلام از سوی شیخ مفید نیز همین گونه است.

۱. استشهاد و استناد کم‌نظیر به روایت مورد بحث در بیش از پانصد مورد در منابع متعدد (بر اساس جستجو در نرم افزار فقه) و بیش از چهارهزار بار بر اساس سرچ در کتابخانه دیجیتال مدرسه فقهت به کار رفته است.

۲. استناد روایت به طور جزمی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از سوی مرحوم شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۹/۲؛ ۴؛ همو، ۴۵۸/۴).

۳. استناد روایت به طور جزمی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از سوی بسیاری دیگر از فقهای اسلام (صدوق، ۱۴۱۸: ۶۲؛ مغربی، بی‌تا، ۸۵/۱؛ ابن‌براج، ۱۸۲/۱۴۱؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷: ۳۶۴).

۴. نقل و توجه خاص به آن در طول تاریخ از سوی فقهاء اسلام از ابتدای قرن سوم از علی بن جعفر گرفته (عریضی، ۱۴۰۹: ۳۴۶) تا به امروز (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۴۴۳/۱) که در موارد گوناگون بیان گردیده و مورد استناد و استدلال قرار گرفته است که به بخشی از آنها در ابتدای مقاله اشاره شد و بعد از این نیز اشاره خواهد شد و استنادات بسیار بیشتر از موارد اشاره می‌باشد (نرم افزار جامع فقه، جمله: إنما الأعمال بالنیات).

۵. پذیرش روایت از سوی تعداد بسیاری از محدثان و فقهاء خاصه و عامه چنان‌که اشاره شد که بیانگر اتفاق نظر آنان در پذیرش آن می‌باشد. از باب نمونه محقق حلی در پاسخ به کسی که روایت «إنما الأعمال بالنیات» را جزء روایات ثابتة نمی‌داند و می‌گوید: «قد ذکرها جماعة من أصحابنا ولم



أعرف من فقهاءنا من ردّها ولا طعن فيها فجرت مجرى الأخبار المقبولة». این روایت را جمعی از محدثان شیعه ذکر کرده‌اند و من هیچ‌کس از فقها را نمی‌شناسم که این روایت را رد کرده و به آن اشکالی وارد نموده باشد. پس این روایت در حکم اخبار مقبوله به حساب می‌آید و به این ترتیب به تصریح مرحوم محقق این روایت مورد قبول علمای شیعه قرار گرفته است (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۷۹) و برخی آن را صحیح دانسته‌اند. (مجلسی اول، ۱۴۱۴: ۲۹۴/۴)

بر این اساس با توجه به قرائن یادشده و غیر آنها که جهت پرهیز از اطاله از پرداختن به آنها خودداری گردید بر اساس مبنای وثوق به صدور و تجمیع قرائن، روایت مورد بحث، مشهور و صدور آن مورد اطمینان است.

۲. بررسی روایت در منابع اهل سنت

جمع زیادی از دانشمندان اهل سنت این روایت را به نحو مسند ذکر نموده‌اند و برخی از آنها ادعای صحت سند و یا تواتر آن را مطرح نموده‌اند (بخاری، ۱۴۲۲: ۶/۱، ۲۰، ۳۹۴؛ ۱۴۵/۳؛ ۴۵/۷؛ ۲۲/۹؛ ۵۶/۵؛ ۱۴۰/۸؛ قشیری نیشابوری، بی تا، ۱۲۷۴/۳؛ نسائی، ۱۴۰۶: ۵۸/۱؛ ۱۵۸/۶؛ ۱۳/۷؛ ابن ماجه، بی تا، ۱۴۱۳/۲؛ ابن حجر، ۱۳۷۶: ۱۲/۱، ۱۰، ۴۴، ۴۷۳، ۲۲۲؛ ۱۶۱/۵؛ ۵۴۲/۱۳؛ ۱۶۲/۵؛ ۱۱۶/۱۰؛ ۳۲۹/۱۲) ابن حجر پس از ذکر حدیث نوشته است: «وهذا إسناد صحيح على شرط الشيخين» (ابن حجر، ۱۳۷۶: ۱۱/۱). همو در جای دیگر نوشته است: «أخرجه النسائي بسند صحيح» (ابن حجر، ۱۳۷۶: ۱۱۵/۹؛ عبدالجبار، ۲۰۱۳: ۳۶۰/۳). برخی با نظر مثبت و مقبول به آن نگریسته و آن را به طور قطع به پیامبر اسلام استناد داده‌اند (نووی، بی تا، ۱۲/۲؛ سیوطی، بی تا، ۲۶۷/۱؛ ۲۶۹/۱؛ ۶۲۲/۲؛ ۶۲۹/۲؛ ۶۳۳/۲؛ ۶۲۱/۲؛ ابن عثیمین، بی تا، ۲/۱۹؛ سفیری، ۱۴۲۵: ۱۱۰/۱). برخی هم ادعای متفق علیه بودن آن را مطرح نموده و چنین آورده‌اند: «الخبر صحيح مجمع على صحته متفق عليه لا ينافي في ثبوته، ثبوته قطعی عند أهل العلم، سواء ورد من طريق واحد، أو من طرق متعددة» (نووی، بی تا، ۱۲/۲) و یا نوشته‌اند: «متفق على صحته قد تلقته الأمة بالقبول والتصديق» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۲۴۷/۱۸)

نووی درباره این حدیث چنین نوشته: صحیح بودن این حدیث مورد اتفاق است و بخاری و مسلم نیز آن را از قول عمر بن خطاب نقل کرده‌اند و این حدیث بزرگی است و یکی از احادیثی به شمار می‌آید که مدار اسلام بر آنهاست بلکه بزرگترین آنهاست و شافعی هم گفته که این حدیث در بردارنده یک سوم علم بوده و در هفتاد باب فقهی مورد استناد قرار گرفته است (نووی، بی تا: ۳۱۱/۱).
بر این اساس حدیث مزبور از نظر اهل سنت نیز معتبر و غیر قابل تردید است.

هرچند برخی در مقام استدلال برای عدم صحت عمل بدون نیت به روایت «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» استناد نموده و ادعای تواتر آن را نموده‌اند (مجاهد، ۱۳۶۸: ۴۸۰/۱) و یا آن را متواتر لفظی دانسته‌اند (ابن‌کثیر، بی‌تا، ۵۷/۱) که با توجه به عدم رد چنین ادعایی به‌گونه‌ای مشعر به پذیرش تواتر آن است، لیک با توجه به کثرت نقل روایت در منابع فریقین و اهتمام به آن از سوی اندیشه‌وران مسلمان، می‌توان براساس تعریف متواتر معنوی و اجمالی (خوئی، ۱۳۶۸: ۱۱۲/۲ - ۱۱۳؛ صدر، ۱۴۰۶: ۲۴۲/۱، ۱۲۶/۲؛ ایروانی، بی‌تا، ۳۶/۲ - ۳۷؛ موسوی جزائری، ۱۴۰۳: ۴۲۲/۴ - ۴۲۳) این روایت را متواتر معنوی یا متواتر اجمالی و نه لفظی برشمرد. بر این اساس می‌توان گفت: روایت بر اساس مکتب و مبنای وثوق به صدور و تجمیع قرائن معتبر، اطمینان‌آور و قابل استناد است.

ج. احتمالات و گستره معنایی

اکنون پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی نیت و بررسی سندی به بیان احتمالات و گستره معنایی آن پرداخته و احتمال قوی‌تر برگزیده و تبیین می‌شود. با توجه به آنچه بیان گردید درباره حدیث مورد بحث احتمالاتی وجود دارد.

۱. ترتب ثواب و عقاب بر نیت

یکی از احتمالات در حدیث مورد بحث این است که ترتب ثواب و عقاب بر اعمال متوقف بر نیت است. بنابراین اگر انسان قصد و نیتش از انجام عمل تقرب الی الله و ثواب باشد ثواب به او داده خواهد شد و اگر قصد و نیتش از انجام عمل ریاء و رسیدن به دنیا و مظاهر آن باشد بهره‌ای از ثواب نخواهد داشت. شیخ طوسی در این باره نوشته: مشروعیت و جزای عمل در گرو نیت است و عمل بدون نیت و قصد قربت پاداشی بر آن مترتب نمی‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۶۲/۲؛ ۴۶۷/۴). نووی می‌گوید: مراد این است که هیچ عملی مشروع نمی‌باشد و ثواب و عقابی به آن تعلق نمی‌گیرد مگر اینکه دارای قصد و نیت باشد و لفظ «انما» این معنی را اثبات و غیر آن را نفی می‌نماید (نووی، بی‌تا: ۱، ۳۱۱). ابن‌قدامه حنبلی نیز همین معنی را به‌گونه‌ای دیگر بیان نموده و بر وجوب نیت در وضو، غسل و تیمم به همین روایت استناد نموده است. (ابن‌قدامه، ۱۳۸۸: ۸۲/۱). سرخسی حنفی گفته است: مراد از حدیث این است که ثواب این اعمال در گرو نیت است (سرخسی، ۱۴۱۴: ۷۲/۱). مرحوم شیخ انصاری نیز در کتاب طهارت همین معنی را برای روایت برگزیده است و ذیل روایت را که می‌فرماید: «وَأِنَّمَا لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى...» را شاهدی بر آن گرفته است و فرموده «لام» در «لكل امریء»، «لام» منفعت و جزا است (انصاری، بی‌تا، ۱۴/۲)؛ صاحب جواهر همین معنی را بیان نموده (نجفی، ۱۴۰۴: ۷۹/۲) و برخی دیگر نیز وی را تأیید نموده‌اند (حکیم، ۱۳۷۸: ۴۶۰/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۷۲/۲).



۲. توقف احکام وضعی بر نیت

برخی از اندیشمندان گفته‌اند ترتب اثر شرعی بر اعمال در گرو نیت است؛ مثلاً اگر کسی می‌خواهد با خانمی ازدواج نماید باید حین العقد چنین قصدی داشته باشد و همچنین اگر می‌خواهد همسرش را طلاق دهد و اگر قصد و نیت چنین کاری را نداشته باشد زوجیت و طلاق محقق نمی‌شود (سیدمرتضی، ۱۴۱۵: ۳۰۳، میرزای قمی، ۱۴۲۷: ۳۱۱).

۳. عدم امکان تحقق خارجی عمل بدون نیت

احتمال دیگر این است که با توجه به کلمه «انما» که مفید حصر است و دارای مفهوم، اگر نیت و قصدی نباشد اصولاً عملی در خارج تحقق پیدا نمی‌کند. به‌طور مثال شاید بتوان این را مطرح نمود که مخالفان جواز حیل شرعی ماهیت واقعی عمل را برگرفته از نیت انسان می‌دانند و لذا کسی که در حقیقت قصد ارتکاب معامله ربوی دارد نمی‌تواند با صورت دو معامله جداگانه یا ضمیمه چیزی به یکی از عوضین ماهیت آن را تغییر دهد بلکه ماهیت واقعی آن عمل را نیت انسان تشکیل می‌دهد (شوکانی، ۱۹۷۳: ۳۱۹/۵) برخی گفته‌اند: روایت دلالت دارد بر اینکه عمل بعد از نیت تحقق پیدا می‌کند و نیت است که به‌وجودآورنده عمل است و تا نیتی نباشد عملی تحقق پیدا نمی‌کند (زرقانی: ۳۰۷/۵) و برخی از فقها اجزاء تشکیل‌دهنده نماز را نیت، تکبیر و... برشمرده‌اند که برای نیت نقش یکی از اجزای ترکیبی عمل را قائلند (سید سابق، ۱۳۹۷: ۱۳۳/۱)

موردی دیگر برای مصداق این معنی قصد اقامت ده روز برای کسی است که ده روز یا بیشتر در جایی اقامت نماید که اگر قصد ده روز کرده عنوان مقیم بر او صدق می‌کند. همچنین عنوان صدق مسافر پس از خروج از حد ترخص و قبل از مسافت شرعی نمونه‌ای دیگر است. نمونه دیگر آن تحقق معاملات از قبیل بیع و اجاره و... بر اساس نیت انسان است و صرف گفتن «بعث» بدون قصد و نیت موجب تحقق بیع و نقل و انتقال اموال نمی‌شود.

بر این اساس مراد از تحقق عمل از دیدگاه قائلان به این نظریه تحقق خارجی اعمال اعتباری و یا اعمالی که بخشی از آن را اعتباریات تشکیل می‌دهد می‌باشد.

۴. ترتب تمام آثار شرعی بر نیت

مراد از روایت «منحصر دانستن عمل در نیت و نفی عمل بدون نیت» این است که عملی که دارای نیت نباشد صحیح نیست و عمل زمانی صحیح است که وجه و عنوان عمل مورد توجه باشد و به عبارتی دیگر امثال به غیر این نحو مطلوب مولی نمی‌باشد (سیدمرتضی؛ ۱۴۱۵: ۳۰۳؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷/۳۶۴؛ ابن‌قدامه، ۱۳۸۸: ۹۲/۱؛ نووی، بی‌تا، ۳۱۱/۱؛ عاملی، شهید اول، بی‌تا، ۷۴/۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۱۴).

برخی چنین آورده‌اند: نیت اصل و ریشه اعمال بوده و اعمال در صحت و فساد تابع نیت است؛ اگر نیت صحیح باشد اعمال و رفتار نیز صحیح و اگر نیت فاسد باشد اعمال نیز فاسد خواهد بود و این نیت است که عمل صالح را فاسد و بی اثر می نماید و عمل غیر صالح را به عملی خوب تغییر می دهد (قسطلانی، بی تا، ۲/۲۵). شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد پس از اینکه مدارک احکام را چهار قاعده دانسته، اولین قاعده را «تبعیة العمل للنیة» قرار داده و در ادامه چنین آورده: مدرک این قاعده قول پیامبر اسلام است که فرموده همه عمل‌ها در گرو نیت هستند؛ یعنی صحت و اعتبار هر عملی در گرو نیت است و از این فرمایش چنین استفاده می شود که هر کس که نیت نکند عملش صحیح نیست و از نظر شریعت عملش اعتباری ندارد (عاملی، شهید اول، بی تا، ۱/۷۵). برخی از اندیشه‌وران معاصر هم گفته‌اند: معنای روایت این است که اثر شرعی بدون نیت مترتب بر عمل نمی شود. (آملی، ۱۴۱۰: ۲۶۲/۴).

۵. نیت و قصد تقرب، شرط صحت عمل عبادی

احتمال دیگر این است که نیت به معنای قصد تقرب است و اخلاص عمل برای خداوند متعال شرط صحت عمل عبادی است و عمل فاقد قصد تقرب صحیح نیست. در حالی که احتمال دوم در خصوص ترتب آثار وضعی است و احتمال چهارم ترتب تمام آثار شرعی را در تمام اعمال در بر می گیرد؛ این احتمال در خصوص عبادات است و آن هم فقط ناظر به صحت و فساد عمل عبادی است. از قائلان به این نظریه می توان از شافعی، مالک، أحمد، ابی ثور و داود نام برد چنان که ابن رشد اندلسی در این باره که آیا نیت شرط صحت وضو است یا خیر می گوید: «اختلف علماء الأمصار هل النیة شرط فی صحة الوضوء أم لا بعد اتفاقهم علی اشتراط النیة فی العبادات لقوله تعالی: (وما أمروا إلا لیعبدوا الله مخلصین له الدین). ولقوله: [إنما الأعمال بالنیات]» (ابن رشد، ۱۴۱۵: ۱۱/۱) وی سپس در مقام توضیح می گوید: «وسبب اختلافهم: تردد الوضوء بین أن یکون عبادة محضة: أعنی غیر معقولة المعنی، وإنما یقصد بها القرية له فقط كالصلاة، وغیرها، وبين أن یکون عبادة معقولة المعنی كغسل النجاسة. (همان). در مورد اشتراط نیت در صحت وضو نیز گفته شده است: لقول الله تعالی: (وما أمروا إلا لیعبدوا الله مخلصین له الدین) ولقول رسول الله: [إنما الأعمال بالنیات]» (سابق، ۱۳۹۷: ۱/۱۳۳).

بنابراین می توان گفت روایت دلالت دارد بر اینکه در عبادت نیت شرط است و نفی حکم به لسان نفی موضوع می باشد؛ زیرا عمل که هست پس نفی واقعی نیست؛ بنابراین نفی حکم است و از این حدیث استفاده می شود که عبادت متقوم به نیت است.



۶. نیت، رکن طاعت

بدون شک قوام هر طاعتی به قصد و عمل مکلف بستگی دارد و هر دو از مصادیق خیر می باشد اما نیت در مقایسه با عمل از ارزش بیشتری برخوردار است. به این معنی که اعمال از دو عنصر مادی و معنوی تشکیل شده، لیکن هدف غایی همان عنصر معنوی است. آن گونه که در بسیاری از مناسک حج و... ملاحظه می شود که اعمال و مناسک شکلی برای وصول به اخلاص قلبی و تقرب الی الله است. به عبارتی دیگر مقصود از تکالیف شرعی تأثیرگذاری بر جان و قلب مکلف است و اعضاء و جوارح انسان ابزاری هستند برای رسیدن به مقصود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۹۹/۱) و غرض از کارهای جوارحی آن است که قلب انسان عادت بر اراده و تمایل بر خیر بیابد. این مطلب را نیز می توان از این آیه شریفه استفاده نمود که می فرماید: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤهاَ وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾ (حج/۳۷) بر این اساس نیت رکن هر طاعتی به حساب آمده و اثرگذاری آن بر انسان در تحقق غرض از عمل بهتر است.

۷. برخورداری از ثواب نیت بیش از ثواب مترتب بر عمل

ممکن است گفته شود بعضا انسان مومن قصد انجام خیرات فراوانی دارد اما در زمان انجام اعمال توان همه آنچه می خواهد انجام دهد را در اختیار ندارد و همین ناتوانی موجب می شود که وی قصد کارهای فراوانی را داشته اما تعداد اندکی را جامه عمل پوشانیده است. از این رو ثواب کسب شده از ناحیه نیت او بیشتر است از ثواب مترتب بر اعمال انجام شده وی. از این رو گفته شده که «نية المومن خير من عمله». این مضمون در برخی از روایات نیز مورد تصریح قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۲۰/۳؛ همو، ۱۴۲۹: ۲۱۸/۳؛ صدوق، ۱۳۸۶: ۵۲۴/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۵۲۴/۱؛ بحرانی، ۱۴۲۳: ۱۲۱/۳). چرایی این مطلب برمی گردد به اینکه چنین شخصی از انقیاد در برابر خداوند برخوردار است و چون روحیه اطاعت پذیری در مقابل پروردگاہ دارد بر اساس نیت خود پاداش دریافت می کند.

۸. نیت، و بر فرازی عمل با آن

همچنین می توان گفت چنان که مقتضای ایمان و انسان مؤمن بر آن است که اعمال خود را به بهترین صورت انجام دهد اما در هنگام انجام دادن، آن گونه که نیت و قصدش بوده انجام نمی شود بر این اساس آنچه در نیت داشته همواره بهتر است از آنچه به انجام رسیده و بر اساس این روایت بر حسب نیتش پاداش داده می شود چنان که همین معنا از روایاتی برداشت می شود (کلینی،

۳:۲۹/۱۴۲۸). تفاوت این احتمال با احتمال پیش در این است که در آن مورد اعمالی که در نیت انسان بوده اما موفق به انجام آن نشده مشمول ثواب است در حالی که در این احتمال کیفیت هریک از اعمال به حسب نیت و چگونگی قصد مترتب بر آن ارزیابی می‌شود.

۹. طبیعت نیت بهتر از طبیعت عمل

احتمال دیگر آن است که گفته شود طبیعت نیت در مقایسه با طبیعت عمل بهتر است. توجیهی که برای بهتر بودن نیت می‌توان ارائه نمود این است که بر نیت اگرچه ثواب داده می‌شود اما عقابی بر آن مترتب نمی‌شود؛ زیرا عقاب دائر مدار فعل و عمل مکلف است؛ به دلیل: ﴿من يعمل مثقال ذرة خيرا يره * و من يعمل مثقال ذرة شرا يره﴾ (زلزله: ۷-۸) که این آیه شریفه ترتب ثواب و عقاب را فقط بر عمل نموده است. لیکن در روایت مورد بحث ترتب ثواب صرف را فقط بر نیت نموده است و می‌توان از این دو نتیجه گرفت که آثار هریک از اعمال نیک و بد بر آن بار می‌شود اما در مورد نیت به‌گونه‌ای دیگر است و فقط آثار نیت‌های خوب بر آن بار می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۱۸/۳؛ صدوق، ۱۳۸۶: ۵۲۴/۲؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۰۴/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۵۲۴/۱؛ بحرانی، ۱۴۲۳: ۱۲۱/۳).

۱۰. مشترک معنوی و مفهومی جامع

ممکن است گفته شود مراد از نیت در این گزاره مفهومی جامع است که هر یک از موارد را جمعی از دانشیان اشاره نموده و پذیرفته‌اند چنان‌که در جای دیگری وضع لفظ برای معنای جامع مورد پذیرش قرار گرفته است (آخوند خراسانی، ۲۵/۱۴۰۹؛ خوئی، ۱۴۲۲: ۱۳۳/۱؛ ایروانی، ۱۴۲۹: ۱۸۵/۱) بنابراین هر یک از موارد یکی از مصادیق آن باشد. مثلاً گفته شود مفهوم عبارت از این است که اعمال در گرو قصد می‌باشند بر این اساس در بعضی از موارد تحقق عمل، در مواردی صحت آن، در مواردی تأثیرگذاری و ترتب حکم شرعی بر آن و در مواردی ثواب عمل مبتنی بر قصد و نیت است.

۱۱. نظر برگزیده

با توجه به گستره کاربرد مفهومی روایت در موارد گوناگون و فقدان قرینه بر تعیین یکی، بلکه وجود قرائن و نشانه‌هایی مبنی بر شیوع مفهوم و مدلول آن، احتمال دهم قوی‌تر به نظر می‌آید. شواهدی که مؤید این مطلب است عبارت‌اند از:

این کلمه در تمامی احتمالات داده شده به‌کار رفته و از طرفی دیگر در هیچ‌یک از موارد، دلیل متقنی وجود ندارد که تعیین‌کننده انحصار مفهوم آن باشد. از سویی دیگر به نظر می‌رسد شارع در مقام بیان، کلمه نیت را به‌صورت جمع محلی به الف و لام به‌کار برده از این روی، می‌توان ادعا نمود که این واژه از عموم برخوردار است و می‌تواند همه احتمالات را پوشش دهد.



چنانچه مفهوم حقیقی آن یکی از این موارد باشد، استعمال آن در بقیه موارد علی نحو المجاز و نیازمند قرینه است در حالی که قرینه‌ای وجود ندارد و در دوران امر بین اشتراک و استعمال مجازی اصل عدم استعمال مجاز در کاربرد الفاظ است. در نتیجه این احتمال که مراد و مفهوم آن یک معنای جامع بوده و موارد یادشده هر یک مصداقی از آن باشند اقوی می‌نماید.

نتیجه‌گیری

۱. بررسی‌های انجام‌شده درباره سند روایت حاکی از این است که روایت «انما الاعمال بالنیات» با توجه به فراوانی نقل مضمون آن، متواتر معنوی و یا متواتر اجمالی است؛ زیرا که مشمول تعریف هر دو قسم از متواتر می‌باشد و یا حداقل مشهور است و هرکدام که باشد اطمینان‌آور است و قابل اعتماد. به‌علاوه، بر مبنای مکتب وثوق صدوری و تجمیع قرائن با توجه به قرائن فراوان - مانند: شهرت روایی، شهرت عملی، موافقت با روایات معتبر، اسناد آن به‌طور قطعی به پیامبر اسلام| از سوی جمعی از محدثان و فقیهان و نیز استناد به آن از سوی فقهای اسلام در ابواب گوناگون و تأکید بر پذیرش آن از سوی کارشناسان فریقین - روایت مورد بحث، معتبر و قابل اعتماد و اطمینان‌آور است.
۲. روایت به لحاظ دلالتی و معنایی دارای احتمالات متعددی است و شاید بتوان براساس قرائن موجود در ذیل برخی از نقل‌ها گفت مفاد و معنای آن به‌حسب متفاهم عرفی عبارت است از ترتب اثر و ثواب بر عمل همراه با نیت تقرب و عدم آن در غیر این صورت. اما شیوع کاربرد آن در معانی گوناگون و عدم قرینه بر تعیین یکی از آنها، احتمال دهم را قوت می‌بخشد؛ زیرا از طرفی این کلمه در تمامی احتمالات داده‌شده به‌کار رفته و از دیگر سوی، دلیل متقنی در هیچ‌یک از موارد، وجود ندارد که تعیین‌کننده انحصار مفهوم روایت باشد. در نهایت با توجه به اصل عدم استعمال مجاز در کاربرد الفاظ می‌توان اشتراک معنوی آن را نتیجه گرفت به این معنی که احتمال که مراد و مفهوم آن یک معنای جامع بوده و موارد یادشده هر یک مصداقی از آن باشند اقوی می‌نماید.

فهرست مطالب

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الأصول، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ ق.
۳. آملی، میرزا هاشم، المعالم المأثوره فی شرح الكتاب العروة الوثقی، قم: المطبعة العلمية، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن ابی یعلی، أبو الحسین محمد بن محمد، طبقات الحنابلة، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۵. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
۶. ابن براج طرابلسی، قاضی، محمد بن حسن طوسی، جواهر الفقه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۷. ابن تیمیة حرانی، أحمد بن عبدالحلیم بن تیمیة، مجموع الفتاوی، المدينة النبویة، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ ق.
۸. ابن حجر، أحمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۷۹.
۹. ابن حجر، أحمد بن علی، نزهة النظر فی شرح نخبة الفكر فی مصطلح اهل الأثر، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۳۰ ق.
۱۰. ابن رجب، زین الدین عبدالرحمن بن أحمد بن رجب، جامع العلوم والحکم فی شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم، بیروت: دارالسلام للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۲۴ ق.
۱۱. ابن رشد اندلسی، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. ابن زهره، حمزة بن علی، غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (علیهم السلام)، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، معرفة انواع الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۲۳ ق.
۱۴. ابن عباد، اسماعیل بن عباد مشهور به صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. ابن فارس، ابوالحسین، احمد بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۱۴۰۴ ق.



۱۶. ابن قدامه، عبدالله بن أحمد بن محمد بن قدامة، المغنی، مصر، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق.
۱۷. ابن كثير، إسماعيل بن عمر، الباعث الحثيث الى اختصار علوم الحديث، بيروت: دارالكتب العلمية، بی تا.
۱۸. ابن ماجة أبو عبدالله محمد بن يزيد قزوينی، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
۱۹. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲۰. انصاری، مرتضى، كتاب الطهارة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام للطباعة و النشر، بی تا.
۲۱. ايروانى، محمدباقر، الحلقة الثالثة فى أسلوبها الثانی، بيروت: المحبين للطباعة و النشر، بی تا.
۲۲. ايروانى، باقر، كفاية الأصول فى أسلوبها الثانی، نجف اشرف: موسسه احياء التراث الشيعه، ۱۴۲۹ق.
۲۳. بحرانی، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم، الدرر النجفية من الملتقطات اليوسفية، بيروت: دارالمصطفى لإحياء التراث، ۱۴۲۳ق.
۲۴. بخارى، محمد بن إسماعيل، الجامع المسند الصحيح، دمشق: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۲۵. بسيونى، احمد، من وحى النبوة: انما الاعمال بالنیات، نشرية الوعى الاسلامى، ۱۱-۱۹، العدد ۱۵۷، ۱۳۹۸ق.
۲۶. بشيرى، حسن حسين، دراسات فقهية حديثية - حديث انما الاعمال بالنیات، نشریه فقه اهل بيت، ص ۲۲۷-۲۴۸، العدد ۵۵، ۱۴۳۰ق.
۲۷. جلالى مازندرانی، سيد محمود، المحصول فى علم الاصول تقرير بحث الشيخ جعفر السبحانى، قم: موسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۱۴ق.
۲۸. جواهرى، محمد، الواضح فى شرح العروة الوثقى، بيروت: العارف للمطبوعات، ۱۴۳۶ق.
۲۹. جوهري، أبو نصر إسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، بيروت: دارالعلم للملايين، ۱۴۰۷ق.
۳۰. حرعالملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۱. حكيم، سيد محسن، مستمسك العروة الوثقى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۳۷۸ق.
۳۲. حلى، احمد بن محمد اسدى، المهذب البارع فى شرح المختصر، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۷ق.
۳۳. حلى، فخر المحققين، محمد بن حسن بن يوسف، الرسالة الفخرية فى معرفة النية، مشهد،

مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١١ق.

٣٤. حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام)، ١٤١٤ق.
٣٥. حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر، خلاصة الاقوال في معرفة الرجال، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
٣٦. حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٢ق.
٣٧. حلّي (محقق)، جعفر بن حسن، الرسائل التسع، قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی، ١٤١٣ق.
٣٨. حلّي (محقق)، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعيليان، ١٤٠٨ق.
٣٩. حلّي (محقق)، جعفر بن حسن، المعتبر في شرح المختصر، قم: مؤسسه سيد الشهداء (عليه السلام)، ١٤٠٧ق.
٤٠. خوئی، سيد أبو القاسم، أجود التقريرات، قم: كتابفروشي مصطفىوي، ١٣٦٨ش.
٤١. خوئی، سيد أبو القاسم، مصباح الأصول، قم: مكتبة الداوري، ١٤٢٢ق.
٤٢. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سورية، دارالعلم - الدارالشامية، ١٤١٢ق.
٤٣. راوندي، قطب الدين، سعيد بن عبدالله، فقه القرآن، قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی، ١٤٠٥ق.
٤٤. سابق، سيد، فقه السنة، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٣٩٧ق.
٤٥. ساكت، طه محمد، انما الاعمال بالنيات، نشره الازهر، ص ١١٥-١١٨، الععدا، محرم ١٣٦٧ش.
٤٦. ساكت، طه محمد، السنن والحكم النبوية: انما الاعمال بالنيات، نشره الهداية الاسلاميه، ص ١٥٥-١٥٨، الجزء ١٩، ١٣٦١ق.
٤٧. سرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل، المبسوط، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٤ق.
٤٨. سفيري شافعي، محمد بن عمر بن أحمد، المجالس الوعظية في شرح أحاديث خير البرية | من صحيح الإمام البخاري، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٢٥ق.
٤٩. سيد مرتضى، علي بن حسين، الانتصار في انفرادات الإمامية، قم: دفتر انتشارات اسلامي،



۱۴۱۵ق.

۵۰. سید مرتضی، علی بن حسین، المسائل الناصریات، تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية،

۱۴۱۷ق.

۵۱. سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، بیروت: دارالفکر، ۲۰۱۴م.

۵۲. سیوطی، جلال الدین، منتهی الآمال فی شرح حدیث انما الاعمال، بیروت: دار ابن حزم،

۱۴۱۹ق.

۵۳. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، بیروت: دارالجمیل، ۱۹۷۳م.

۵۴. صبحی، صالح، علوم الحدیث و مصطلحه، بیروت: دارالعلم، ۱۹۸۴م.

۵۵. صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الأصول، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ۱۴۰۶ق.

۵۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۶ق.

۵۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الهدایة فی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام هادی (علیه السلام)،

۱۴۱۸ق.

۵۸. طبرسی، فضل بن حسن، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، مشهد: مجمع البحوث

الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.

۵۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، قم: انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۲ش.

۶۰. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.

۶۱. طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۶۲. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۶۳. طوسی، خواجه نصیرالدین، الانوار الجلالیة، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۲۰ق.

۶۴. عاملی، (شهید اول)، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم: کتابفروشی مفید، بی تا.

۶۵. عاملی، (شهید اول)، محمد بن مکی، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل

البيت (علیه السلام)، ۱۴۱۹ق.

۶۶. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن أحمد، الرعاية فى علم الدراية، قم: مكتبة آية الله

العظمى المرعشى النجفى، ۱۴۰۸ق.

۶۷. عباسی مقدم، مصطفی، بستانی قاسم، رستگار جزی، پرویز، باجی، نصره، «تحلیل بر تواتر

حدیث انما الاعمال بالنیات، تحلیل بر تواتر حدیث انما الاعمال بالنیات»، پژوهش نامه علوم

حدیث تطبیقی، ص ۱۹۹-۲۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش.

۶۸. عبدالجبار، صهيب، المسند الموضوعي الجامع للكتب العشرة، بی جا، بی نا، ۲۰۱۳ م.
۶۹. عثيمين، محمد بن صالح بن محمد، فتاوى نور على الدرب، بی جا، بی تا.
۷۰. عراقى، عبدالرحيم ابن حسين، التقييد و الايضاح، بيروت: دارالحديث، ۱۴۰۵ ق.
۷۱. عريضى، على بن جعفر عليه السلام، مسائل على بن جعفر و مستدركاتهما، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۷۲. فاضل مقداد، جمال الدين مقداد بن عبدالله سيورى، التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، قم: مكتبة آيت الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۴ ق.
۷۳. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۷۴. فيروزآبادى، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت - لبنان: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۲۶ ق.
۷۵. فيض كاشانى، محمد محسن، الشافى فى العقائد و الأخلاق و الأحكام، تهران: دار نشر اللوح المحفوظ، ۱۴۲۵ ق.
۷۶. فيض كاشانى، محمد محسن، الوافى، اصفهان، كتابخانه امام امير المؤمنين على عليه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۷۷. فيومى، أحمد بن محمد بن على، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، بيروت: المكتبة العلمية، بی تا.
۷۸. قسطلانى، أحمد بن محمد بن أبى بكر، المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، مصر: المكتبة التوفيقية، بی تا.
۷۹. قشيرى نيشابورى، مسلم بن حجاج، المسند الصحيح، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بی تا.
۸۰. كلينى، ابوجعفر، محمد بن يعقوب، الكافى، قم: دارالحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ ق.
۸۱. گلشادى، هادى، بررسى حديث انما الاعمال بالنيات، سايت راسخون، ۱۳۸۹ ش.
۸۲. مازندرانى، محمد صالح بن احمد، شرح الكافى، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق.
۸۳. مجاهد، سيد محمد، مفاتيح الأصول، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۲۹۶ ق.
۸۴. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۸۵. مجلسى، محمدتقى، روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
۸۶. مجلسى، محمدتقى، لوامع صاحبقرانى، قم: اسماعيليان، ۱۴۱۴ ق.
۸۷. محمدى رى شهرى، محمد، ميزان الحكمه، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، بی تا.



۸۸. مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، تأویل الدعائم، القاهرة: دارالمعارف، بی تا.
۸۹. مصباح یزدی، محمدتقی، آئین پرواز، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲ ش.
۹۰. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الكتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ ق.
۹۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران: صدرا، ۱۳۶۱ ش.
۹۲. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بی تا.
۹۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المسائل الصاغانیة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۹۴. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۰ ش.
۹۵. موسوی جزائری، سید محمد جعفر، منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۳ ق.
۹۶. موسوی خمینی، سید روح الله، المكاسب المحرمة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵ ق.
۹۷. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، رسائل المیرزا القمی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۷ ق.
۹۸. نجاشی، أحمد بن علی، محقق: آیت الله سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۹۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت- لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۱۰۰. نسائی، أحمد بن شعيب، المجتبى من السنن = السنن الصغرى، حلب، مکتب المطبوعات الإسلامیة، ۱۴۰۶ ق.
۱۰۱. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۲. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، شرح الأربعین النوویة، بی جا، بی تا.
۱۰۳. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۰۴. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث



العربی، ۱۳۹۲ ش.

۱۰۵. <https://khaandaniha.ir/news/۶۴۶۰۲۵>.
۱۰۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۴۰۰۳۳۶>.
۱۰۷. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۵۰۷۵۵۹>.
۱۰۸. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۶۷۹۱۲۵>.

